

سرپوش‌های نادرشاه افشار

محمد رضا چیت‌ساز^۱

چکیده

نادر در ۴۷ سالگی و در سال ۱۱۱۱ ش/۱۱۴۵ ق/۱۷۳۲م، یعنی در زمانی که افغان‌ها با یورش خود به ایران، پادشاهی دویست‌وسی ساله صفویان را سرنگون ساخته بودند، تهماسب صفوی را از سلطنت برکنار و کودک شیرخواره او را با نام، عباس سوم، جانشین او کرد و خود به عنوان نایب‌السلطنه، زمامدار واقعی ایران شد. او سه سال بعد در ۱۱۱۴ ش/۱۱۴۸ ق/۱۷۳۵م، به پادشاهی ایران انتخاب شد و توانست سلسله افشاریه را به وجود آورد. نادر سرانجام و پس از ۱۲ سال پادشاهی در سال ۱۱۲۶ ش/۱۱۶۰ ق/۱۷۴۷م، توسط گروهی از سردارانش، در خواب کشته شد. این مقاله، که بخشی از جلد پنجم کتاب زیر چاپ مؤلف به نام «تاریخ پوشاک ایرانیان از آغاز اسلام تا قاجار» است، با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از دیوارنگاره‌ها و نقاشی‌های کتاب‌های تاریخی به توصیف سرپوش‌ها و کلاه‌های این پادشاه افشاری در این بازه دوازده ساله، پرداخته است و به طور ویژه بر کلاه چهارترک ابداعی او به نام «نادری» مذاقه نموده است؛ کلاهی که نماد سلطه سیاسی او بر سرزمین‌های ایران، افغانستان، هندوستان و ترکستان بوده است و برخی چهارگوشه آن را به چهار خلیفه راشدین اسلام و بیعت نادر با اهل سنت، نسبت داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: افشار، چهارترک، سرپوش، کلاه، نادر

۱. دکتری تاریخ ایران. رایانامه: chitsaz_awan@yahoo.com

۵۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

نادر در زمانی که هنوز به پادشاهی نرسیده بود و با افغان‌ها می‌جنگید، سرپوش و دستاری، تقریباً، به شیوه دوران صفوی بر سر می‌کرد. این دستار، به شیوه‌ای پیچیده می‌شد که، بخشی را در جلو و روی پیشانی و بخش دیگری را، در قسمت عقب، به وجود می‌آورد، دسته‌ای مو نیز، در عقب دستار، نصب شده بود. نادرشاه در نبرد با افغان‌ها، گاه دستاری بر سر می‌بست که دسته مویی سیاه از پشت آن، بالا آمده بود (پاکباز، ۱۳۹۲: ۱۴۶). یکی از این تصاویر، دیوارنگاره بزرگ چهل‌ستون اصفهان است که صحنه پیروزی نادرشاه را بر لشکریان محمدشاه گورکانی در نزدیکی دهلی و در نبرد کرنال، نشان می‌دهد. در این تصویر، نادرشاه افشار، تاج مرصعی با جقه (جیغه، جیغه)^۱ و پَر و با تزئینات مروارید، بر سر دارد (تفضلی، ۱۳۴۳: ۲۷۳ - ۲۷۰، شکل ۱)^۲. از دیگر سرپوش‌های نادرشاه، باید به کلاه سیاهی اشاره کرد که بالایش دسته مویی سیاه قرار می‌گرفت و بر میانه کلاه، نوار و رشته‌ای مرواریدی، بسته شده، نوارها و رشته‌های دیگر مروارید نیز، بر کلاه آویخته شده بود (همان)^۳. اما مهم‌ترین سرپوش و کلاهی که در حقیقت باید آن را، سرپوش ویژه دوران افشار دانست، کلاهی بود که نادرشاه آن را ابداع کرد. نادر کلاهی استوانه‌ای و نسبتاً بلند را رواج داد، که قسمت بالایی آن، به چهارگوشه یا چهارترک قوسی شکل کوچک، ختم می‌شد و انتهای بالایی هر یک از این ترک‌ها، به چهارگوشه‌های مثلثی شکلی پایان می‌یافت. گاه این سرپوش را، تنها بر سر می‌گذاشتند، اما اغلب، شالی را دورش می‌پیچیدند. این کلاه چهارترک، گونه کوتاه‌تری نیز داشت. اگرچه، گفته شده که، کلاه چهارگوشه نادری، نمادی از سلطه سیاسی او بر سراسر چهار سرزمین ایران، افغانستان، هندوستان و ترکستان بوده است اما، برخی نیز بر آن‌اند که، این نوع کلاه، احتمالاً به بیعت نادر با اهل سنت و به چهار خلیفه راشدین در اسلام اشاره دارد. با توجه به اقدامات نادر، در ترجمه کتب

۱. برای جیغه شاهان قاجاریه رک: جمال‌زاده ۱۳۴۶: ۵۱۵-۵۱۷

۲. نقاشی آبرنگ، دهلی، موزه دژ سرخ، ۱۱۲۱/ش/۱۱۵۵/ق/۱۷۴۲م، شماره ۶۴۱ (۱۹۲۶)

۳. نقاشی آبرنگ، دهلی، موزه دژ سرخ، شماره ۶۳۱ (۱۹۲۶)

سرپوش‌های نادرشاه افشار ❖ ۵۷

ادیان الهی و تلاش او در نزدیک‌سازی هر چه بیشتر شیعیان و اهل تسنن، شاید بتوان این چهارترک بودن کلاه نادری را، نشانه‌ای از توجه او به این موضوع اخیر، دانست^۱ (Baker, 1997: 149؛ soudavar, 1992: 785-808). گاهی دستار دور این کلاه استوانه‌ای را، به گونه‌ای می‌بستند که، دنباله آن، بالا رفته بود. نادرشاه نوع کوتاه‌تر، یا سفید و بلند آن را نیز، بر سر می‌گذاشت. لبه این کلاه، نگین داشت و اغلب همراه جقه و دسته‌مویی سفید به کار می‌رفت، لبه باریک و کوچکی نیز داشت، که گاه در قسمت عقب سر، بهتر دیده می‌شد. این کلاه، البته تفاوتی اساسی با کلاه شیخ‌حیدر و کلاه قزلباشان صفوی داشت (اوتر، ۱۳۶۶: ۴۰؛ مینورسکی، ۱۳۵۶: ۱۱۹). در تصاویری که از نادرشاه، بر جای مانده، گونه‌هایی از این نوع کلاه را می‌توان بر سر او دید. بلندی این کلاه، حدود ۳۰ سانتی‌متر بود (Hanway, 1754: 227-228)، پایین و تنه این کلاه، طرحی گرد داشت، اما در بالا، به صورت، چهار بخش نزدیک به هم و نوک‌دار، دیده می‌شد. پایین کلاه که روی پیشانی قرار می‌گرفت، دارای لبه کوچکی بود، خود کلاه می‌توانست به رنگ قرمز و یا قهوه‌ای باشد که نواری پهن و اغلب، به رنگ سفید و یا صورتی بسیار کم‌رنگی، که روی آن را سنگ‌های قیمتی، نصب کرده بودند، دور آن را در میانه، فراگرفته بود. دو ردیف مرورارید، از طرفین آن، به سمت بالای کلاه می‌رفت. دسته‌ای موی سیاه نیز، بالای کلاه، نصب می‌شد (افشار، ۱۳۴۶: ۱۸۳ - ۱۸۱؛ شکل ۳؛ همو، ۱۳۲۸: ۵۹۱ - ۵۹۰).^۲ تصویر دیگری که از نادر کشیده شده، شکل این کلاه را،

۱. نادر پس از شکست دادن دشمنان، به ساحل رود ارس آمد و در دشت مُغان اردو زد و بسیاری از بزرگان و علمای ایران را به آنجا دعوت کرد. نادر در آنجا، با پذیرفتن پنج شرط در سال ۱۱۱۴ ش/ ۱۱۴۸ق/ ۱۷۳۵م. به پادشاهی ایران انتخاب شد: ۱. ایرانیان از عقاید گذشته خود نسبت به اهل سنت، دست بردارند تا اهل سنت، مذهب جعفری را، مانند مذاهب اربعه تسنن و پنجمین آنها بشمارند. ۲. در خانه کعبه که ارکان اربعه آن به ائمه مذاهب اربعه سنت تعلق دارد، ایرانیان نیز در یک رُکن با ایشان شریک شوند و بتوانند به آئین جعفری نماز بگذارند. ۳. هر ساله از طرف ایران، امیر حاجی تعیین شود که مانند امرای حاج شام و مصر، بتواند حج‌اج ایرانی را به کعبه ببرد و دولت عثمانی با او نیز مانند امرای حاج دیگر سرزمین‌ها، رفتار کند. ۴. آسرای طرفین، آزاد شوند و خرید و فروش ایشان متوقف گردد. ۵. نماینده‌ای از هر یک از دو دولت ایران و عثمانی، در پایتخت یکدیگر حضور داشته باشند تا امور دو کشور را با گفتگو حل و فصل نمایند.

۲. نک: ترجمه فارسی آن: ۱۳۸۳: ۲۳۶ - ۱۹۳.

۳. جهانگشای نادری (الحاق به نسخه)، کپنهاگ، بخش شرقی موزه ملی، شماره ۴، چهره نادرشاه

۴. نگاره روی پوست آهو، کپنهاگ، بخش شرقی موزه ملی

۵۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

آشکارتر نشان می‌دهد. نوار پهن و روشنی که دور کلاه را در میانه فراگرفته، نگین‌کاری شده و بر لبه‌هایش، مروارید، نشانده‌اند. دو نوار مرواریدی، که به طرف بالای کلاه، رفته، به یک گل پنج پر، ختم شده است. لبه‌های بالایی کلاه، یعنی جایی که کلاه، دارای چهار قاچ و یا شکاف می‌شد نیز، دارای دانه‌های مروارید بود (افشار، ۱۳۴۶: ۱۸۳ - ۱۸۱، شکل ۴).^۱ گونه دیگری از این کلاه‌های چهارترک، به جای نوار پهن و روشنی که دور کلاه را در میانه فرا گرفته بود، سه ردیف موازی، مروارید داشت. دسته‌مویی سیاه نیز، نه در بالای کلاه، بلکه از جلوی کلاه، به طرف بالا رفته بود (مینورسکی، ۱۳۵۶: شکل ابتدای کتاب؛ Gentil, 1822: section 2). نمونه‌ای از این کلاه‌های چهاربخش را، که رنگ قرمز داشت می‌شناسیم (Cook, volum 1, 1770: 444; otter, volum 1, 1748: 39). اغلب دستاری سیاه بر گرد این کلاه بسته می‌شد. البته نادر، نوعی کلاه مخروطی نسبتاً بلند را، نیز بر سر می‌گذاشت که بالایش بریده شده بود و با جقه و دسته مویی سیاه در جلو تزیین می‌شد. گونه قرمز رنگ آن نیز به کار می‌رفت، که شال باریک سفیدی، به همراه نوار باریک‌تر طلایی‌رنگی روی آن، بسته شده بود. گاهی این کلاه، خاکستری و شال روی آن، طلایی بود.^۱ نادر، گونه‌ای کلاه خود کوتاه نیز، بر سر می‌گذاشت که سطح آن را، نگین‌هایی تزیین کرده و سه دسته پَر، یکی در میانه و دو تای دیگر، در دو طرف آن، کار گذاشته شده بود (اوتر، ۱۳۶۶: ۱۴۱). برخلاف کلاه‌های بیان شده که بالایشان به چهار بخش تقسیم می‌شد، گونه‌ای دیگر از این کلاه‌ها، بر سر نادر بوده است که ظاهراً، از میانه کلاه، این چهار بخش از هم جدا شده و به طرف بالا، رفته‌اند. دور تا دور لبه پایین کلاه، یعنی روی پیشانی را، با دستاری دو رنگ و یا با دو نوار پارچه‌ای باریک دو رنگ، می‌بستند (افشار، ۱۳۴۶: ۱۸۳ - ۱۸۱، شکل ۲؛ Kirketerp - Moller, 1962: 114-127).^۲ گونه‌ای از این نوع اخیر نیز به

۱. نگاره، اثر پ، بوردییه Bourdier, P

۲. جهانگشای نادری، پاریس، کتابخانه ملی، شماره ۲۴۲۱۹، نقاشی پ، بوردییه، دو نیم‌تنه نقاشی شده، یکی در هند و دیگری در کتابخانه ملی پاریس، که Otter (اوتر) و Minorsky (مینورسکی) آنها را در ابتدای رسالت خود آورده‌اند.

۳. نگاره، کپنهاگ، بخش شرقی موزه ملی

۴. همانجا

سرپوش‌های نادرشاه افشار ❖ ۵۹

وسیله نادرشاه استفاده می‌شد که نواری، مانند کمربندی متشکل از دانه‌های سیاه و سفید مروارید و دیگر سنگ‌های قیمتی، دورتا دور لبه پایین آن را، فرا گرفته بود. چند نگین درشت نیز، جلوی کلاه نصب شده و دسته‌مویی سفید و انبوه، از درون میله‌ای تزئین شده با مروارید، بین جلو و جانب راست کلاه، کار گذاشته شده بود (اوتر، ۱۳۶۶: ابتدای کتاب)^۱ البته نادر، نوعی کلاه مخروطی نسبتاً بلند را، نیز بر سر می‌گذاشت که بالایش بریده شده و با جقه و دسته‌مویی سیاه و بلند در جلو تزئین شده بود. دور تا دور بالای این کلاه و نیز، دور تا دور لبه پایینی آن، که روی سر قرار می‌گرفت، سوزن‌دوزی و با نگین‌های ریزی، تزئین شده بود (حکمت، ۱۳۲۶: ۳۶ - ۳۵).^۲ باید دانست که، نادرشاه، نوع قرمز رنگ آن را نیز استفاده می‌کرد، که شال باریک سفیدی به همراه نوار باریک‌تر طلایی‌رنگی، روی آن بسته شده بود. گاهی این کلاه، خاکستری و شال روی آن، طلایی بود.^۳ نوشته‌اند، شاه تهماسب دوم، برای نادر، تاج مُرصعی، به عنوان هدیه فرستاد اما نادر آن را بر سر نگذاشت، شاید چون هنوز به مقام شاهی نرسیده بود. البته نادر، سرانجام آن تاج را در سال ۱۱۱۵ش / ۱۱۴۹ق / ۱۷۳۶م، بر سر نهاد و سکه‌ای نیز، ضرب کرد (غفاری‌کاشانی: ۱۴۰۴: ۳۹۲ - ۳۸۹). تاج نادر، از نوع تاج‌های کنگره‌دار بود و با نگین‌های فراوانی، تزئین می‌شد (اوتر، ۱۳۶۶: ۱۲۱).

علی‌قلی، برادرزاده نادرشاه که پس از مرگ نادر، با نام عادل‌شاه در سال‌های ۱۱۲۶-۱۱۲۷ش / ۱۱۶۰-۱۱۶۱ق / ۱۷۴۷-۱۷۴۸م، سلطنت کرد نیز، کلاه چهارترک افشاری را، که نادر ابداع کرده بود، بر سر می‌گذاشت. همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید، این کلاه، در قسمت بالا، چهاروجهی بود. کلاه عادل‌شاه، سفید و پایین و میان‌ه‌اش، گرد بود و اغلب با شالی رنگی که به دورش بسته می‌شد، همراه بود (گُدار، ج ۱: ۱۹۳۶، ۲۴۱؛

۱. نگاره، هند

۲. نگاره، پنجاب، اداره اسناد تاریخی

۳. نک، ترجمه فارسی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۶۸-۷۰، نقاشی آبرنگ، کار علی‌شاه افشار، مجموعه مرقعات امرای تیموری هند، شماره

۴۵، تهران، کتابخانه سلطنتی، نزدیک به ۱۱۲۶-۱۱۲۷ش / ۱۱۶۰-۱۱۶۱ق / ۱۷۴۷-۱۷۴۸م.

۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سودآور، ۱۳۸۳: ۳۸۲، شکل ۱۵۴، ۱۵۵؛ اقبال، ۱۳۲۴: ۴۳ - ۴۰؛ اوتر، ۱۳۶۶: ۴۰).
شکل‌های ۱ تا ۱۲ انواع سرپوش‌های نادرشاه افشار را نشان می‌دهند.

جمع‌بندی

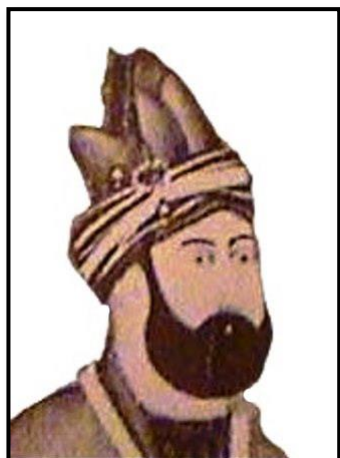
روند شکل‌گیری و طراحی لباس در سینما و مجموعه‌های تلویزیونی این‌گونه است که اغلب پس از خواندن فیلم‌نامه و بر اساس شخصیت‌پردازی‌های صورت‌گرفته، طراح با درک این شخصیت‌ها، طراحی ویژه خود را انجام داده و برای تأیید و مشورت در اختیار کارگردان قرار می‌دهد تا به نتیجه پایانی برسند. ملاحظات علمی که در این طراحی‌ها باید مورد توجه دقیق قرار گیرد، دوره زمانی، دوره تاریخی، منطقه جغرافیایی، نوع ملیت و قوم و نژاد، نوع مذهب، مرتبه اجتماعی و هم‌چنین موقعیتی است که یک شخص در آن - مراسم بزم و شادی یا مراسم ترحیم - داشته است. طراحی لباس مناسب، کمک می‌کند تا موقعیت کاراکترها به خوبی برای تماشاگر تشریح شود. هم‌چنین تماشاگر، دیدی کلی نسبت به زمان و مکانی که ماجرا در آن رخ می‌دهد، پیدا کند. کارگردان و طراحانش باید اطلاعات کافی درباره زمان و مکان وقوع ماجرای داستان داشته باشند و لباس شخصیت‌ها را تا ظریف‌ترین و کوچک‌ترین جزئیات آن، به دقت طراحی کرده و سرانجام، متناسب با قد و قامت بازیگران بدوزند. با توجه به این‌که، انجام درست و دقیق همه این مراحل و این روند، کاری وقت‌گیر و تخصصی است و از همه مهم‌تر، آشنایی با منابع و مآخذ اصلی این کار را نیز می‌طلبد، لذا در بیشتر موارد، از عهده طراحان لباس به‌تنهایی و در فرصت اندکی که در اختیار دارند، خارج است. لذا مراکز پژوهشی مرتبط با موضوع تاریخ لباس ایرانیان، می‌توانند از این‌گونه مقالات و نوشته‌ها، بهره‌های نمایشی ببرند. استفاده دیگری که این مقاله و مقالات این‌چنینی می‌توانند به مراکز پژوهشی مانند مرکز پژوهش و سنجش افکار

۱. آلبوم نقاشی تهران، کاخ گلستان، شماره ۱۶۳۹، نقاشی ناتمامی است از عادل‌شاه. این نقاشی در مکانی به نام اشرف کشیده شده است که عادل‌شاه با سپاهیان قاجاریه روبرو شد و طی آن، محمد(آغامحمدخان آینده، بنیانگذار قاجاریه) پسر چهار ساله خان قاجار، اخته شد.

۲. دو نقاشی، یکی از رضاقلی فرزند نادر، دیگری از شاهرخ نوه نادر.

سرپوش‌های نادرشاه افشار ❖ ۶۱

صداوسیما بدهند، راه‌اندازیِ نمایشگاه‌ها و موزه‌های لباس‌های تاریخی مردمان ایران است. استادان و دانشجویان حوزه‌های مرتبط با تاریخ، فرهنگ و هنر ایران زمین نیز، از دیگر مخاطبین این‌گونه پژوهش‌ها خواهند بود.



تصویر ۲.



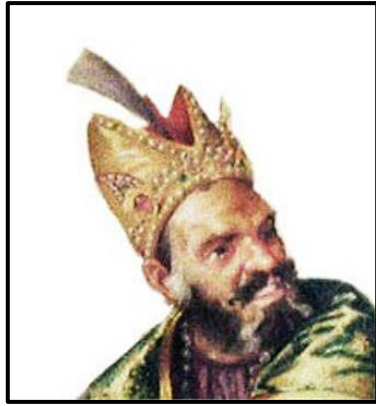
تصویر ۱.



تصویر ۴.



تصویر ۳.



تصویر ۶.



تصویر ۵.



تصویر ۷.



تصویر ۸.

سرپوش‌های نادرشاه افشار ❖ ۶۳

فصلنامه
شماره ۳۸ و ۳۹ بهار و تابستان ۱۳۹۶



تصویر ۱۰.



تصویر ۹.



تصویر ۱۲.



تصویر ۱۱.

۶۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

منابع

- استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۴۱). **جهانگشای نادری**، به اهتمام عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی.
- افشار، ایرج (۱۳۲۸). «عکس‌های قدیمی و معروف نادرشاه»، **جهان نو**، سال ۴، ص ۵۹۰-۵۹۱.
- افشار، ایرج (۱۳۴۶). «تصاویر نادرشاه و شاه عباس در کپن‌هاگ»، **راهنمای کتاب**، سال ۱۰، شماره ۲، تیر، ص ۱۸۱-۱۸۳.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۲۴). «عاقبت نادرشاه»، **یادگار**، سال ۲، شماره ۲، مهر، ص ۳۱-۴۳.
- اوتر، ژان (۱۳۶۶). **سفر به ترکیه و ایران**، ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۲). **نقاشی ایران از دیرباز تا کنون**، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- تفضلی، محمود (۱۳۴۳). «دو تصویر از نادرشاه در موزه دژ سرخ دهلی»، **یغما**، سال ۱۷، شماره ۶، شهریور، ص ۲۷۰-۲۷۳.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۴۶). «مطالبی درباره جیغه پادشاهان قاجاریه»، **یغما**، سال ۲۰، شماره ۱۰، دی، ص ۵۱۷-۵۱۵.
- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۲۶). «تصویر تازه‌ای از نادرشاه»، **یادگار**، سال ۴، شماره ۱-۲، شهریور - مهر، ص ۳۵-۳۶.
- سودآور، ابولعلا (۱۳۸۰). **هنر دربارهای ایرانی**، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، تهران: کارنگ.
- سودآور، لیلا دیبا (۱۳۸۳). «[لباس] دوران صفویان و قاجاریان»، در: **پوشاک در ایران زمین (مقالات دانش‌نامه ایرانیکا در زمینه پوشاک)**، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر، فصل ۱۰، صص ۱۹۳-۲۳۶.
- غفاری کاشانی، قاضی احمدبن محمد (۱۴۰۴ ق). **تاریخ نگارستان**، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: حافظ.

سرپوش‌های نادرشاه افشار ❖ ۶۵

گُدار، آندره (۱۹۳۶). جُنْگی از تصاویر امرای تیموری هند، آثار ایران، جلد ۲، بخش ۱، ص ۹۸-۱، ترجمه فارسی: ابوالحسن سروقد مقدم (۱۳۶۶). آثار ایران، مشهد: آستان قدس، جلد ۲، بخش ۱، ص ۱ - ۱۱۱.

مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۵۶). تاریخچه نادرشاه، ترجمه رشید یاسمی، تهران: کتاب‌های سیمرغ وابسته به انتشارات امیرکبیر.

Baker, P. L(1997). politics of Dress. Languages of Dress in the Middle East, ed. N. lindsayfarne Tapper and B. Lngnam, London

Cook, J(1770). Voyages and travels through the Russian empire, tary and part of the kingdom of Persia. 2 vols., Edinburgh

Gentil, M(1822). Memoires sur L'Indous tan, ou Empire Mogol. Paris

Hanway,J(1754). An historical account of the British trade over the Caspian sea. 2nd ed., 2 vols, London

Ker porter, R(1821 - 1822). Travels in Georgia, Persia, Armenta, Ancient Babylonia., London, 2 vols

Kirketerp - Moller, H(1962). Nadir shah, Christian VII og william jons. Fund og Forsrning i Det Rongelige Biblioteks samlinger. IX, PP. 114-127

Otter, J(1748). Voyage en Turquie et en Perse, 2 vols., Paris

Soudavar, L. D(1992). Clothing, in Encyclopedia Iranica, Edited, Yarshater, E. Vol, V, Mazda Publishers, Costa Mesa, California, & Ammama, Aba, Candys, Belts, Čador.